

## امام سجاد (ع)

امام علي بن حسين بن علي بن ابيطالب عليه السلام مشهور به سجاد، چهارمین امام شیعیان بنا به قولی مشهور، در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری قمری متولد شد و در ۱۲ محرم سال ۹۵ هجری قمری به دست ولید بن عبدالملک به شهادت رسید. امام زین العابدین علیه السلام زمانی دیده به جهان گشود که زمام امور در دست جد بزرگوارش امام علي بن ابيطالب عليه السلام بود. آن حضرت ۳ سال از خلافت علوی و حکومت چند ماهه امام حسن علیه السلام را درک کرد. امام سجاد علیه السلام در عاشورای سال ۶۱ هجری قمری حضور داشت و در آن واقعه به صورتی معجزه آسا نجات یافت و پس از شهادت پدرش امام حسین علیه السلام مسئولیت زمامداری شیعیان از جانب خدا بر عهده او گذاشته شد و از آن روز تا روزی که به شهادت رسید زمامدارانی چون یزید بن معاویه، عبدالله بن زبیر، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و ولید بن عبدالملک، معاصر بود.

پرتوی از سیره و سیمای امام زین العابدین (علیه السلام)

حضرت علی بن الحسین ، ملقب به سجاد و زین العابدین، روز پنجم شعبان سال ۳۸ هجری یا ۱۵ جمادی الاولی همان سال، در مدینه دیده به جهان گشود و در روز ۱۲ و یا ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری، در مدینه، به دسیسه هشام بن عبدالملک، مسموم گردید و در ۵۶ سالگی به شهادت رسید.

مزار شریف آن حضرت در مدینه در قبرستان بقیع می باشد.

مادر مکرّمه آن حضرت بنا بر منابع تاریخ اسلامی، غزاله از مردم سند یا سجستان که به سلافه یا سلامه نیز مشهور است، می باشد.

ولی بعضی از منابع دیگر نام او را شهربانویه، شاه زنان ، شهرناز، جهان بانویه و خوله، یاد کرده اند.

امام سجّاد(علیه السلام) در بدترین زمان از زمان هایی که بر دوران رهبری اهل بیت گذشت مزیست، چه، او با آغاز اوج انحرافی، معاصر بود که پس از وفات رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) روی داد.

امام(علیه السلام) با همه محنتها و بلاها که در روزگار جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین(علیه السلام) آغاز گردیده بود همزمان بود.

او سه سال پیش از شهادت امام علی(علیه السلام) متولّد گردید، وقتی دیده به جهان گشود، جدّش امیرمؤمنان(علیه السلام) در خطّ جهادِ جنگِ جمل، غرق گرفتاری بود و از آن پس با پدرش امام حسین(علیه السلام) در محنت و گرفتاریهای فراوان او شریک بود.

او همه این رنج ها را طی کرد و خود به طور مستقل رویاروی گرفتاریها قرار گرفت.

لله شدند و اسب های خویش را در مسجد بستند، یعنی همان جایی که انتظار آن می رفت مکتب رسالت و افکار مکتبی در آنجا انتشار یابد، امّا برعکس، آن مکان مقدّس در عهد آن امام تقوا و فضیلت، به دست سپاه منحرف بنی امیّه افتاد و آنان ضمن تجاوز به نوامیس مردم مدینه و کشتار فراوان، بی پروایی را از حدّ گذراندند و حرمت مدفن مقدّس رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) و مسجدش را هتک نمودند.

امام سجّاد(علیه السلام) برای پیش راندن مسلمانان به سوی نفرت از بنامیّه و افزودن مبارزه جویی با آنان، تلاش های مؤثّری نمود.

و هر گاه فرصتی به دست مآمد، مردم را بر ضدّ امویان تحریک می کرد.

و با احتیاط، برنامه حاکمان منحرف را تحت نظر قرار می داد.

امام(علیه السلام) برای آگاهی مردم، اسلوب دعا را به کار برد، به طوری که دعاهاى آن حضرت، رویدادهای عصر او را تفسیر می کند.

صحیفه سجّادیّه که به زبور آل محمد مشهور است، اثر بی نظیری است که در جهان اسلام، جز قرآن کریم و نهج البلاغه، کتابی به این عظمت و ارزش، پدید نیامده که پیوسته مورد توجه بزرگان و علما و مصنفان باشد.

از دیگر آثار ارزنده به جا مانده از امام سجّاد(علیه السلام)، مجموعه ای تربیتی و اخلاقی است به نام رساله حقوق که امام(علیه السلام) در آن وظایف گوناگون انسان را در برابر خدا و خود و دیگران، با بیانی شیوا و گویا بیان کرده است.

مجموعه حقوقی که در این رساله ذکر شده جمعاً ۵۱ حقّ می باشد.

#### امام و حکومت

امام سجّاد(علیه السلام) به این امر آگاه بود که تا وقتی از طرف پایگاه های مردمی پشتیبانی نشود، تنها در دست گرفتن قدرت برای تحقّق بخشیدن به عمل دگرگون سازی اجتماع اسلامی کافی نیست.

پایگاههای مردمی نیز باید به هدف های این قدرت آگاه باشند و به نظریّه های او در حکومت ایمان داشته باشند و در راه حمایت از آن حرکت کنند و مواضع آن را برای توده مردم تفسیر نمایند و در برابر تندبادهای استواری و قدرت بایستند.

امام سجّاد(علیه السلام) این امکانات را نداشت و به علّت آگاهی نداشتن مردم چنین شکایت مفرمود: «پروردگارا! در پیشامدهای ناگوار روزگار به ناتوانی خویش نگریستم و درماندگی خود را از جهت یاری طلبیدن از مردم در برابر کسانی که قصد جنگ با من داشتند دیدم و به تنهایی خود در برابر بسیاری کسانی که با من دشمنی داشتند، نظر کردم.» امام(علیه السلام)، از جنبه انقلابی، به صورتی که مستقیماً عهده دار آن گردد، کناره جویی فرمود و به این بسنده کرد که کار قیام را به کسانی واگذارد که در این مورد برپای می خیزند.

به طور کلی وضع اجتماعی که هر امام در آن زیست می کرد، شکل کار سیاسی او را محدود و مشخص ساخت.

پیشوایان معصوم با وجود توطئه هایی که دشمنان، علیه آنها می نمودند تا آنان را از زمینه حکومت دور سازند، پیوسته مسئولیت خود را در نگاه داری مکتب و تجربه اسلامی و مصون نگاه داشتن آن از فرو افتادن در ورطه انحراف و جدا شدن از مبادی و معیارها و ارزش های آن به گونه ای کامل ایفا میکردند و هر وقت انحراف شدّت میافت و از خطر فروافتادن در ورطه نابودی بیم می داد، پیشوایان (علیهم السلام) بر ضدّ آن حوادث تدبیرهای لازم می اندیشیدند، و هر گاه تجربه اسلامی و عقیدتی در تنگنای مشکلی گرفتار مآمد و رهبری های منحرف به حکم بی کفایتی از درمان آن ناتوان می شد، امامان به نشان دادن راه حلّ و حفظ امتّ از خطرهایی که مردم را تهدید می کرد مبادرت می فرمودند.

#### دستگیری از درماندگان

یکی از خدمات ارزشمند امام سجّاد (علیه السلام)، رسیدگی به درماندگان، یتیمان، تهیدستان و بردگان بوده است.

روایت شده است که آن حضرت، هزینه زندگی صد خانواده تهیدست را عهده دار بود.

گروهی از اهل مدینه، از غذایی که شبانه به دستشان میرسید، گذران معیشت می کردند، امّا آورنده غذا را نمی شناختند.

پس از گذشت علی بن الحسین (علیه السلام) متوجّه شدند که آن شخص، امام زین العابدین (علیه السلام) بوده است.

او شبانه به صورت ناشناس، انبان نان و مواد غذایی را خود به دوش می کشید و به در خانه فقیران و بینوایان می برد و می فرمود: صدقه پنهانی آتش خشم خدا را خاموش می سازد.

اهل مدینه می گفتند: ما صدقه پنهانی را هنگامی از دست دادیم که علی بن الحسین در گذشت.

او در طول سالها به قدری انبان حاوی آرد و دیگر مواد غذایی را به دوش کشیده و به در خانه فقیران برده بود که شانه اش پینه بسته بود، به طوری که پس از شهادت او، هنگام غسل دادن جنازه اش ، جلب توجه می کرد.

علی بن طاووس در کتاب اقبال الاعمال، ضمن بیان اعمال ماه رمضان می نویسد: علبن الحسین (علیه السلام) شب آخر ماه رمضان، بیست نفر برده را آزاد می کرد و می فرمود: «دوست دارم خداوند ببیند که من در دنیا بردگان خود را آزاد می کنم، بلکه مرا در روز رستاخیز از آتش دوزخ آزاد سازد.» او هیچ خدمتکاری را بیش از يك سال نگه نمی داشت، وقتی که برده ای را در اوّل یا وسط سال به خانه مآورد، شب عید فطر او را آزاد می ساخت.

بردگان سیاه پوست را می خرید و آنان را در مراسم حجّ، به عرفات می آورد و آن گاه به سوی مشعر کوچ می کرد، آنان را آزاد می کرد و جوایز مالی به آنان میداد.

تا آنجا که در شهر مدینه گروه عظیمی از بندگان و کنیزان، آزاد شده آن حضرت بودند و آنان هم بعد از آزادی، پیوند معنوی خود را با امام(علیه السلام)قطع نمی کردند.